

بیانیه برای بهمن ۵۷

۲۲ بهمن فرجام تاریخی جنبشی بود، که هر کس و هر بخشی از جامعه به تناسب چگونگی حضور و جایگاه خود در آن، به قضاوت درباره‌اش پرداخته و می‌پردازد.

از نظرگاه یک جنبش طبقاتی- کارگری، این لحظه تاریخی، در عین اینکه نقطه اوج مبارزه با رژیم شاه بود، نقطه سازش پنهانی میان سرمایه‌داری جهانی نیز با اپوزیسیون دستچین شده آن، برای به اتمام رساندن و ممانعت از پیشروی اش بود، زیرا که اندک اندک توان و مطالبات عمیقی را از طریق طبقه کارگر و سایر بخش‌های زحمتکش جامعه به صحنه مبارزه کشانده بود. وظیفه این سازش و این توقف که در یک واگذاری قدرت از دستی به دست دیگر به اجرا در آمد، همان چیزی بود، که تا کنون سی سال شاهد آن، یعنی حفظ سیستم سرمایه‌داری و ادامه سرکوب هستیم، که رژیم شاه قبلاً به گونه دیگری آن را اعمال کرده بود.

همواره چنین بوده و چنین نیز خواهد بود، که تا زمانی که کارگران و مزدبگیران زحمتکش جامعه، پیشاپیش آمادگی فکری و عملی برای یک اعتراض اجتماعی و طبقاتی مربوط به خود را نداشته باشند، حکومت‌ها و اپوزیسیون‌های گوناگون و همپرازشان، بویژه هر گاه که رادیکالیسم مبارزه اجتماعی به حدی برسد، که آنها بوی یک تهدید جدی را در نظام طبقاتی سرمایه‌داری احساس نمایند، دست بکار سازشی در میان خود میشوند، و آنان را با ترفندهای مختلف و البته با زخم‌های قدیمی و فراوان دوباره به خانه و کارخانه و ادامه کار مزدوری برای نظام سرمایه‌داری‌شان بر می‌گردانند.

آن جنبش و آن اعتراضات که در قالب اعتصابات کارگران، دانشگاهیان و مدارس، بیمارستانها و تمامی حقوق بگیران زحمتکش جامعه تجلی یافت، و نهایتاً منتهی به ۲۲ بهمن گردید، بیان خواست‌های مادی و مربوط به زندگی واقعی جامعه بود، که بویژه در بستن شیرهای نفت توسط کارگران صنعت نفت، تاب و توانی را به اثبات رسانید، که ترس را بر سیستم پوسیده سرمایه‌داری مستولی گرداند، و از سوی دیگر این "جمهوری اسلامی" نیز محصول سازشی بود، میان اپوزیسیون مذهبی رژیم شاه و طبعا حافظ همان سیستم ارتجاعی سرمایه‌داری، با تمامی جبهه سرمایه‌داری جهان که آمریکا در آن زمان نقش طرف مستقیم را در آن به عهده داشت. اینگونه بود، که سازشی از ترس و ناگزیری در جبهه دشمنان کارگران و توده‌های فقیر و زحمتکش جامعه صورت گرفت، تا همه ما را دوباره روانه خانه‌هایمان کنند.

بدیترتیب ما کماکان با دستهای خالی به بیغوله‌هایمان بازگشتیم، و حاکمان جدید به کاخ‌هایی وارد شدند، که از شاه برای آنها به ارث باقی ماند.

خدایی که تا پیش از آن با دربوزگی از "خمس و ذکات" به زندگی انگلی‌اش ادامه می‌داد، اکنون خود رأساً به گنجینه ثروت دست یافته بود، و برای حفظ خود نیز ناگزیر از حفظ و ادامه همین نظام استثمارگر سرمایه‌داری و تشدید آن بود.

با این حساب ۲۲ بهمن به سر انجام رسید و خیل توده‌های کار و زحمت همچنان کلاهشان در پس معرکه باقی ماند. در این حالت طبیعی بود، که از روز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، مبارزه همچنان ادامه یابد، و راهی هم جز این نبود، و صاحبان جدید قدرت نیز، تحت نام جدید "جمهوری اسلامی ایران" در مقابله با ادامه اعتراضات اجتماعی جهت کسب خواست-های بدست نیامده‌اشان، همان راهی را در پیش گرفتند، که هر رژیم طبقاتی دیگری تا کنون اعمال نموده است. چرخه استثمار مجدداً بکار افتاده بود، و زبان اعتراض نیز نمی‌بایستی که دم فرو بندد و بدینسان، سرانجام تیغ تیز سرکوب برای مقابله با جامعه و پیشروی آن بکار گرفته شد، که تا به امروز هم ادامه دارد.

در مقابل این موقعیت چه می‌بایست کرد، و تا کنون چه کاری صورت گرفته است؟ آیا کارگران خاموش بوده‌اند، آیا جامعه در مقابل تمامی ظلم و ستمی که بر آن روا شده، سکوت اختیار کرده بوده است؟

مسئله که چنین نبوده، و در تمام این سه دهه کارگران و سایر حقوق بگیران زحمتکش، و سایر بخش‌های تحت فشار، از جمله زنان، دانشگاهیان و دانشجویان از پای ننشسته‌اند، و در مقابل هرگونه‌ای از سرکوب و زندان و کشتار ایستادگی کرده و نشان داده‌اند، که تا به خواسته‌های به تعویق افتاده و تاریخی خود نرسند، این کاروان خروشان همچنان به راه خواهد بود.

در این میان مشکل حاکمان مقابله با حضور روزمره کارگران و اعتراضات گسترده جامعه می‌باشد، اما مشکل کارگران و زحمتکشان نا آگاهی به وضعیت عمومی جامعه سرمایه‌داری و عدم انسجام طبقاتی و اعتراضاتی‌شان است. ما در شرایط امروز نیز کماکان مثل سال ۱۳۵۷ دچار عدم انسجام طبقاتی در مقابله با رژیم حاکم، و ناتوانی از به زیر سوال بردن کل سیستم استثمار سرمایه‌داری و فروپاشاندن آن هستیم. به همین دلیل است، اکنون که جامعه در گیر و دار خیزشی دوباره می‌باشد، پیشاپیش بر آن مهار سبز زده‌اند، تا مبادا از خط و مرز معینی که همچنان حفظ این نظام است، فراتر برود. نامه نگاری‌ها، زد و بندهای آشکار و پنهان، و همه رفت و آمدهای میان هاشمی رفسنجانی، موسوی، کروی، خاتمی با جناح مقابلشان و هشدارهایی که به یکدیگر می‌دهند، که به کیفیت و کمیت اعتراضات توجه داشته باشند، تا مبادا جریان کار از دست همگی آنها خارج شود، بیانگر همین ترسی است که آنها از پیشروی مبارزات اجتماعی کنونی در جامعه دارند. اینها همه علاوه بر تلاش-هایی است، که از طریق راه اندازی نمایندگی و قبضه پیشاپیش اعتراضات در خارج از ایران با حضور عناصر شناخته شده‌ای همچون اکبر گنجی، محسن مخملباف، و محسن سازگارا بر اه انداخته‌اند.

بنابر این مشکل کارگران و زحمتکشان در جامعه طبقاتی پس از سی سال به قوت خود باقی است، و تا زمانی که کارگران خود را به عنوان یک طبقه به عرصه مبارزه‌ای آگاهانه و متشکل، سراسری- طبقاتی علیه سرمایه‌داری ارتقا ندهند، مبارزات اجتماعی کنونی نیز سرانجامی جز تلخکامی تکراری پیشین در بر نخواهد داشت.

بنابر این کار ما این نیست که بدنبال حوادث و یا این و آن بیفتیم، و نقش نردبامی را برای "سبزه"ها و "زرد"ها به عهده بگیریم، تا همچون ۵۷ از دشمنان بالا بروند و هر جا که آنان خواستند، برایمان بیانیه توقف مبارزه نیز صادر نمایند. مسئولیت ما درک موقعیت کاملاً متفاوت خواست‌های عمیق اجتماعی و تاریخی ما و حل طبقاتی- انقلابی آنها بدست خودمان با بر هم زدن نظم کل سیستم سرمایه‌داری است.

آری! کار ما دقیقاً نه شورشگری و لرزاندن حکومت‌ها، بلکه انقلاب اجتماعی و تغییر کل نظام سرمایه داری و جایگزین کردن سوسیالیسم به جای آن است، که باید برای این مسئله فکری کرد و راهی جست!

تصاویر بیاد می‌آورند که:



هایزر، نخستین گزارشات خود را به آمریکا فرستاد

ژنرال هایزر، معاون فرماندهی کل ناتو، امروز در گزارشی به آمریکا نوشت که ارتش ایران برای دست زدن به کودتا آمادگی ندارد. به نظر هایزر بهتر است بین نظامیان و رهبران مذهبی رابطه برقرار شود



کاتال های ارتباطی بین خمینی و آمریکا

.....از قبل بین نزدیکان و خود خمینی با غرب وجود داشته است که بصورت پراکنده در خاطرات افراد سازمان جاسوسی سیا و سایر نمایندگان امپریالیست‌ها از جمله آنتونی پارسونز سفیر انگلستان در ایران، مایکل پوینتوسکی وزیر امور ملی کشور فرانسه و نماینده ژیسکاردستن، لول بروس لیجن کاردار سفارت آمریکا، رمزی کلارک دادستان سابق کشور آمریکا، هال ساندرز معاون وزیر خارجه در امور خاور نزدیک، والتر کاتلر کنسول سابق آمریکا در تبریز و دیگران توانسته بودند با کسانی همچون مهدی بازرگان، محمد حسین بهشتی، مرتضی مطهری، محمود طالقانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، پدالله سبحانی، عباس امیر انتظام، صادق قطب زاده، مصطفی چمران، صادق طباطبائی، شهریار روحانی، ابوالحسن بنی صدر و بسیاری دیگر تماس برقرار کنند. و قول و قرارها و شرایط رضایت و حمایت خود را از رژیم آینده خمینی به وی منعکس سازند.

مهمترین بخش مذاکرات فیما بین در پاریس صورت گرفت. ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷ دو نفر از طرف ژیسکاردستن ریاست جمهور فرانسه برای دیدن خمینی به نوفل لوشاتو می‌روند..



کارگران نیرویشان را نشان دادند، ولی منافقان توسط حکومت جدید قربانی شد.

نامه خمینی به مهدی بازرگان در مورد کارگران صنعت نفت و اعتصاب

پس از اهدای سلام و تحیت؛ به طوری که مسیوق هستید کارگران و کارمندان شرکت نفت به منظور همکاری و همگامی با مبارزات ملت مسلمان ایران به منظور جلوگیری از صدور نفت به خارج دست به اعتصاب زده اند، اما دولت غاصب برای مقابله با این برنامه های دولت غاصب و تامین نیازهای مردم در داخله تحقق شرایط زیر لازم است ..

با توجه به مراتب بالا مقتضی است جنابعالی که در اداره صنایع عظیم نفت دارای سابق و تجارب هستید و ضمن ابلاغ مراتب تشکر ملت ایران از کارگران زحمتکش و کارمندان محترم، عده لازم را به بازگشت به سرکار و ادامه تولید در حد مصارف داخلی دعوت فرمایید و شرایط بالا را به کارمندان و کارگران تذکر دهید که اگر دولت غاصب هریک از شرایط بالا را نقض نمود، جریان نفت به کلی قطع شود و به سایر اعتصابیون ملحق گردید،

از خداوند تعالی استقلال و عظمت کشور و توفیق ملت را برای به دست آوردن آزادی و استقلال خوارسارم

روح الله و السلام علیکم ورحمت الله الموموسی الخمينی

مهدی بازرگان:



«الگوی ما برای حکومت اسلامی، دوران رسالت و رهبری سیاسی ۱۰ ساله ی محمد در مدینه و دوران ۵ ساله ی امام علی در کوفه است.»



فرخ نگهدار ۳۱ سال همکاری و همراهی ی سبزی با ...



علیرضا نوری زاده.....ابراهیم یزدی



علیرضا نوری زاده:

هیچ پناه و یابوری نمی بینم که با او سخن بگویم بجز امام ... بجز رهبری که با او آغاز کردیم و اینک برایمان سخت است که در حضور او نباشیم

مشیت نشانه خروار:

اعدام و سنگسار زنان..... اعدام های وسیع زندانیان.... سعید سلطانیور (شاعر و...)... سرکوب دانشگاه ها



کودکان کارگر

زنان و نقش برجسته آنان در سال ۱۳۵۷



جناب کروبی و میرحسین موسوی در سایه...نشسته اند



صف کارگران از دشمنان طبقاتی شان مطلقا جدا می باشد!



آیا این عکس تاریخی را که مربوط به سرکوب توده های زحمتکش کردستان است می توان فراموش کرد؟



تنها یک انقلاب اجتماعی توسط کارگران و زحمتکشان می تواند، امکان رهایی از هر گونه ستم اجتماعی را برای تمامی انسان ها فراهم آورد! تنها یک رهایی کامل از شر جامعه طبقاتی سرمایه داری!

